

بررسی میزان شیوع خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان کرمانشاه

فرزاد پرهوده¹، معصومه حیدری زرگوش²، علی رئوف کیش³

از صفحه 55 تا 76

تاریخ پذیرش: 1399/06/23

تاریخ دریافت: 1399/04/12

چکیده

خشونت علیه زنان پدیده‌ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود، مورد اعمال زور و تزییع حق از سوی جنس دیگر واقع می‌گردد و چنانچه این نوع رفتار در چارچوب خانواده و بین زن و شوهر باشد؛ که به معنای هر عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت است که سبب احتمال بروز آسیب‌های روانی، جسمانی، رنج و آزار علیه زنان از جمله تهدید به انجام چنین اعمالی، محرومیت اجباری یا اختیاری در شرایط خاص، از آزادی در زندگی عمومی یا در زندگی خصوصی می‌گردد.

هدف اصلی؛ هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی میزان شیوع خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان کرمانشاه است.

روش جمع‌آوری داده‌ها؛ جهت جمع‌آوری داده‌ها از روش ترکیبی (کمی-کیفی) استفاده شده است؛ ابتدا در جهت شیوع یا عدم شیوع خشونت و همچنین دنبال کردن متغیرهای اساسی مؤثر بر شدت شیوع خشونت از روش کیفی و نمونه‌گیری هدفمند -تکنیک مصاحبه عمیق و بدون ساختار- استفاده شده است. و در ادامه فرایند پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و ابزار پرسش‌نامه دارای اعتبار به گردآوری اطلاعات از نمونه‌های آماری پرداخته شد و از طریق: نرم‌افزار spss -T,F Test & Pearson test- در جهت آزمون فرضیه‌ها (همبستگی و معناداری رابطه) متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند.

حجم نمونه؛ شامل 200 نفر از زنان متأهل ساکن در شهرستان کرمانشاه بوده است.

نتایج؛ بررسی نتایج حاصله و مطالعه موردها حاکی از آن بوده که زنانی که درون خانواده‌ها مورد خشونت و تهاجم قرار گرفته‌اند، عوامل زیر بیش‌ترین تأثیر را در این تجربه خشونت داشته است؛ میزان درآمد خانوار، مردسالاری رایج در جامعه، یادگیری‌های اجتماعی و شیوع خشونت علیه زنان در شهر کرمانشاه نقش تأثیرگذاری داشته‌اند.

کلید واژه‌ها؛ خانواده، خشونت، درآمد، یادگیری اجتماعی، مردسالاری.

1- کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، علامه طباطبایی، تهران، ایران. (رایانامه: fparhode66@gmail.com)

2- دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد، تهران مرکز

3- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد تهران مرکز.



مقدمه و بیان مسئله

«خشونت¹» ناظر بر مفهوم ایجاد محدودیت و نظارت بر فردی دیگر است. خشونت مفهومی متغیر است و با توجه به زمان، مکان، شرایط و روابط تغییر می‌کند که در طول تاریخ بشر به شیوه‌های مختلف با پیچیدگی روزافزون در شکل‌های مجزا و متفاوت وجود داشته و دارد (کاسیک و فیورگاتو، 2006: 951). به نقل از علیوردی نیا و همکاران، (1390). در فرهنگ علوم اجتماعی در تعریف خشونت چنین آمده است «هرگونه عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت² که لزوماً یا احتمالاً به آسیب یا رنج جسمانی، جنسی یا روانی بشود. هم‌چنین تهدید به ایجاد محرومیت³ و محدود ساختن آزادی فرد در حیات اجتماعی و در قلمرو زندگی خصوصی» (ارجمند سیاهپوش و عجم دشتی نژاد، 1389). خشونت علیه زنان⁴ پدیده‌ای است که در آن زن به‌خاطر جنسیت خود، مورد اعمال زور و تضییع حق از سوی جنس دیگر واقع می‌شود و چنان‌چه این نوع رفتار در چارچوب خانواده و بین زن و شوهر باشد، از آن به خشونت خانگی تعبیر می‌شود؛ که به معنای هر عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت است که سبب احتمال بروز آسیب‌های روانی، جسمانی، رنج و آزار علیه زنان از جمله تهدید به انجام چنین اعمالی، محرومیت اجباری یا اختیاری در شرایط خاص، از آزادی در زندگی عمومی یا در زندگی خصوصی می‌شود (آقاخانی و همکاران، 1391). خشونت مردان علیه زنان ابعاد متعددی را شامل می‌شود که در این راستا می‌توان به خشونت فیزیکی⁵ یعنی آسیب رساندن به اعضای بدن با کتک، ضرب و جرح با استفاده از دست یا ابزار دیگر، خشونت روانی⁶ (تهدید⁷، تحقیر⁸، سرزنش کلامی، فحاشی⁹)، خشونت اجتماعی¹⁰ (کنترل رفتارهای زن، در انزوای¹¹ اجتماعی قرار دادن، ممنوعیت ارتباط با دیگران) (ولیزاده، 1383، به نقل از همان). نهاد خانواده از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین پایه‌های هر

1- violence

2- sex

3- deprivation

4- violence against woman

5- physical violence

6- mental violence

7- threat

8- humiliation

9- guilty

10- social violence

11- isolation

جامعه محسوب می‌شود و محل بروز عواطف انسانی. کانون صمیمانه‌ترین روابط میان افراد و مهد پرورش فکر و اندیشه و اخلاق و تعالی روح انسانی است. کانون خانواده¹ می‌تواند در حفظ سلامت روانی² و آرامش روحی افراد کارکرد بزرگی را ایفا کند (فوروارد، 1377: 15، به نقل از خراسانی و میرزایی مهر، 1391). اهمیت خانواده از این- روست که نه تنها محیط مناسبی برای همسران است بلکه وظیفه جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های³ آتی را نیز بر عهده دارد. در حال حاضر خانواده‌ها دچار انواع آسیب و بحران هستند که می‌توان به برخی از آن‌ها از جمله طلاق، اختلاف و تضادهای زناشویی، بدرفتاری با افراد مسن، خودکشی، کودک‌آزاری، کودک فراری و خشونت زناشویی (شایع‌ترین خشونت مردان علیه زنان) اشاره کرد. این مسایل باعث می‌شود که خانواده از عملکرد اساسی خویش یعنی تزریق عاطفه و وجدان اخلاقی به مجموعه عناصر خویش عمل کند. و هرگاه بنیان عاطفی⁴ و اخلاقی⁵ خانواده که از هم‌بستگی میان اعضایش نشأت می‌گیرد، متزلزل شود تصور سایر آسیب‌های اجتماعی نیز دور از ذهن نخواهد بود (مشکاتی و مشکاتی، 1381، به نقل از همتی، 1383). خشونت علیه زنان مانعی است در برابر دستیابی به اهداف برابری، توسعه و صلح است. خشونت، برخورداری زنان (به‌عنوان نیمی از جمعیت هر کشور) را از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، نقض، تضییع و یا سلب می‌کند و ناکامی در حفظ و ارتقای این حقوق و آزادی در مورد اعمال خشونت علیه زنان مایه نگرانی همه کشورها است (رئییسی سرشنیزی، 1381). براساس پژوهش‌های انجام‌شده در ایران، به‌طور کلی خشونت‌های روانی مانند توهین، استفاده از الفاظ رکیک، تحقیر و ... بیش از خشونت‌های جسمی رواج دارد؛ که آثار آن برخلاف خشونت جسمی به سرعت آشکار نمی‌شود. با این وجود در طولانی مدت اثرات مخرب فراوانی در پی دارد. هم‌چنین در بین انواع خشونت‌های روانی، قهر و کم‌محللی از همه شایع‌تر بوده به‌گونه‌ای که 63/1 درصد از زنانی که در معرض این خشونت قرار دارند، از آن رنج می‌برند (احمدی و زنگنه، 1383: 179).

1- family
2- mental health
3- generations
4- emotional
5- moral



هدف پژوهش

هدف پژوهش بررسی میزان شیوع خشونت علیه زنان در شهر کرمانشاه و عوامل مؤثر بر آن است.

پیشینه پژوهش

امیر مظاهری و قدربند فرد شیرازی (1393) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان و علت تحمل خشونت توسط آنان» انجام دادند. نتایج نشان داد که بیشترین نوع خشونت کلامی و روانی و کمترین نوع جنسی است.

یعقوبی و رئوفی (1393) مقاله‌ای رو با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر میزان خشونت علیه زنان» انجام دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که دخالت اطرافیان، جایگاه اقتصادی زوجین، پذیرش اقتدار مرد، فاصله سنی زوجین و خشونت در خانواده خاستگاه، تأثیر مثبتی بر خشونت علیه زنان دارد. در حالی که علاقه زوجین، منابع حمایتی اجتماعی، تحصیلات زوجین، قدرت زن در ساختار خانواده ارتباط معکوسی با خشونت علیه زنان دارد.

مظلوم خراسانی و میرزایی مهر (1391) پژوهشی با «عنوان میزان خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم‌آباد» انجام دادند. نتایج حاصل از آزمون هم‌بستگی نشان داد که بین خشونت خانگی و ابعاد آن (روانی-کلامی، فیزیکی، مستقیم و غیرمستقیم و خشونت اقتصادی - اجتماعی) با اقتدار شوهر، تفسیر ناسازگار از نقش، گرانباری نقش، اختلاف سنی زوجین و تجربه خشونت در کودکی رابطه مستقیم و با پایگاه اقتصادی - اجتماعی شوهر رابطه معکوس دارد.

عزیزیان و همکاران (1382) مقاله‌ای را با عنوان «بررسی عوامل خشونت علیه زنان در مراجعه‌کنندگان به پزشکی قانونی تهران» انجام دادند. نتایج حاصله حاکی از آن است مشکلات اخلاقی و تربیتی، مشکلات اقتصادی، دخالت خانواده شوهر، مشکلات جنسی و اختلاف فرهنگی و طبقاتی مهم‌ترین عوامل خشونت علیه زنان به‌شمار می‌روند.

فلاح و همکاران (1394) پژوهشی را با عنوان «عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان متأهل در شهر گرگان» انجام دادند. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این است



که سطح تحصیلات، اشتغال، سن ازدواج و سطح درآمد خانواده از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در مواجهه با انواع خشونت علیه زنان بود.

هاموری¹ و همکاران (2009) شیوع خشونت در میان زنان باردار 11/4 درصد، هم‌چنین ارتباط معنادار مستقیمی بین تجربیات قبلی خشونت زن و خشونت خانگی به میزان 56/9 درصد وجود دارد.

تولمن² (2000) در این پژوهش ارتباط خشونت خانگی و رفاه خانواده بررسی شده که همگی به رابطه خشونت با اشتغال زنان تأکید می‌کنند.

فاولی³ (2008) شیوع خشونت فیزیکی 34 درصد، 93 درصد خشونت روانی و کلامی، خشونت خانگی تحت تأثیر عوامل اجتماعی، بیکاری شوهر، ازدواج اجباری با اقوام، ارزش‌های مردسالار، فقدان استقلال مالی زن و فقدان قوانین اجتماعی دولتی قرار دارند.

انگ⁴ و همکاران (2010) ارتباط بین تجربه خشونت در کودکی و خشونت با ضریب هم‌بستگی 22 درصد در 65 درصد موارد خشونت روانی به خشونت فیزیکی منجر می‌شود، مصرف الکل توسط شوهر، ضرب و شتم در کودکی، میزان تحصیلات زن و مرد عوامل مؤثر بر خشونت خانگی هستند.

مبانی نظری پژوهش

نظریه جامعه‌پذیری⁵

انسان در لحظه تولد از هرگونه رنگ و بومی به‌دور است و با ورود خود به جهان موجودی شدیداً نیازمند تبدیل می‌شود. انسان‌ها با رسیدن به بلوغ برخلاف حیوانات قادرند به برقراری روابط اجتماعی و در تصمیم‌گیری‌ها متأثر از الگوها و آموخته‌هایی هستند که فرهنگ به آن‌ها آموخته است (مرادزاده، 1372: 6). به گفته اندیشمندان

1- Hamouri & all

2- Toulman

3- Fawole

4- Eng & all

5- Socialization theory



مکتب کنش متقابل نمادین¹ کودک در لحظه زاده شدن هیچ اندیشه‌ای درباره خود ندارد و در جریان جامعه پذیری در اجتماع به مفهوم خود² دست پیدا می‌کند. بنابراین خود محصول فرآیند یادگیری و کنش متقابل اجتماعی است (ستوده، 60:1386).

نظریه یادگیری اجتماعی بندورا³

ایشان این نظریه را در سال 1990 مطرح کردند. از نظر وی رفتارها از دو طریق آموخته می‌شوند: یا از طریق پاداش دادن به اعمال (یادگیری ابزاری)⁴ و یا از طریق مشاهده آگاهانه یا تصادفی رفتار دیگران (مدل‌سازی). بنابراین کودکانی که از طریقی می‌آموزند که خشن باشند، شاید الگوی آموخته شده را در دوران بزرگسالی نیز ادامه دهند. رهیافت یادگیری اجتماعی بر این موضوع تأکید می‌کند که چگونه وضعیت‌های اجتماعی و محیطی به افراد می‌آموزند تا رفتار پرخاش‌گرانه و خشونت‌آمیز داشته باشند (خاک رنگین و فتحی، 132:1388).

نظریات فمینیستی⁵

گروهی از فمینیست‌های روان‌کاو مانند نظریه پردازان ستم‌گری جنسی⁶، پدرسالاری را نظامی می‌انگارند که در آن مردان، زنان را تحت انقیاد خود در می‌آورند و به‌عنوان یک نظام جهانی و یک سازمان اجتماعی فراگیر در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها ماندگار بوده و با وجود مخالفت‌های گه‌گاهی پیروزمندانه ابقاء شده‌اند. فمینیست‌های روان‌کاو عقیده دارند که نظام پدرسالاری نظامی است که همه‌ی مردان طی کنش‌های فردی روزانه‌شان، پیوسته و فعالانه در جهت خلق و نگهداشت آن می‌کوشند (ریتزر، 1374:485).

در بررسی رابطه‌ی بین تجربه‌ی خشونت در دوران کودکی مرد با خشونت خانگی علیه زنان از نظریه‌های جامعه‌پذیری، نظریه‌ی یادگیری اجتماعی، نظریه‌ی فمینیستی، نظریه سلطه و نظریه‌ی مبادله اجتماعی استفاده شده است. که با توجه به نظر

1- symbolic reciprocal action

2- ego

3- Bandura social learning theory

4- learning tools

5- feminist theories

6- sexual oppression

صاحب نظران این نظریه‌ها فرد در هنگام کودکانی در ابتدای راه که هیچ هویت و خود مستقلی را برای خود متصور نیست و خودش را در جریان مبادلات اجتماعی چه در درون خانواده و چه در اجتماع پیدا می‌کند. این نظریه‌ها معتقدند که فرد در هنگام کودکی بیش‌تر خصوصیات اخلاقی را از والدین و اعضای خانواده و هم‌بازی و کسانی که با آن‌ها در ارتباط است می‌آموزد. پس با وجود این محیطی که فرد در آن دوران کودکی خود را می‌گذراند بر نحوه‌ی رفتار او در بزرگسالی تأثیر زیادی دارد و از طرفی نیز همان‌طور که فمینیست‌ها ابراز داشتند نحوه‌ی برخورد با فرزندان از سوی والدین و هنجارهای که در جامعه وجود دارد نیز به نوعی باعث مردسالاری و بروز خشونت به زنان شده است.

نظریه اقتدار و سلطه¹

از زمانی که پدرسالاری در حدود چهار تا پنج هزار سال پیش تحکیم یافت و مردان دولت‌ها را به‌وجود آوردند، یکی از اولین اقدامات آن‌ها این بود که زن را از طریق جنس او توصیف کرده و او را از این لحاظ در تنگنا قرار دهند. آن‌ها کاری با علایق و خواسته‌های زنان نداشتند و فقط خواسته خودشان (مردان) مورد نظر بود. هم‌چنین سعی داشتند بر قدرت باروری² زن کنترل کافی اعمال کنند. اولین اقدام مردها پس از ازدواج پدرسالاری، این بود که فرزندان را وابسته به دودمان پدری کنند و این رسم قدیمی که بچه‌ها باید نام والد شناخته شده مادر را بگیرند، برانداخته شد. پی بردن به نسبت کودکان از طریق دودمان پدر به مردان این بهانه را داد تا زنان را از سنین جوانی وادار به ازدواج و مراقبت از کودکان کنند. در بعضی از جوامع اولیه اگر زنی رابطه نامشروع داشت، حتی اگر مورد تجاوز³ قرار می‌گرفت او را می‌کشتند یا برده می‌کردند. به او حق طلاق یا نگهداری از بچه را نداده و در صورت سقط جنین⁴ او را به قتل می‌رساندند (فرنچ، 1373: 161-159).

در سال 1993 بیانیه‌ی حذف خشونت علیه زنان در سازمان ملل این تعریف را برای خشونت علیه زنان بیان کرد:

1- Authority theory

2- fertility

3- rape

4- abortion



به هر نوع اقدامات خشونت‌آمیز که یه آسیب بدنی، جنسی یا روانی در زنان منجر شود برای زنان رنج‌آور بوده است و یا به محرومیت اجباری از آزادی فردی یا اجتماعی منجر می‌شود.

می‌توان گفت خشونت‌های خانوادگی علیه زنان در زیر مطرح شده است:

1. خشونت بدنی: از جمله آسیب‌های جسمانی نظیر ضرب و جرح با صلاح سرد و گرم و سیلی زدن و بعضاً قتل قربانی.
2. خشونت روانی: که انواع تحقیرهای روانی و بدرفتاری کلامی نظیر مسخره کردن و دشنام و ناسزا و داد و قال را شامل می‌شود.
3. خشونت اقتصادی: ایجاد محدودیت‌های اقتصادی نظیر ندادن خرجی، سوءظن نسبت به زن در سوءاستفاده مالی و پنهان کردن درآمد توسط شوهران.
4. خشونت جنسی: انواع بدرفتاری در ایجاد روابط جنسی توسط شوهران، خشونت جنسی خانگی علیه زنان (احمدی، 1384: 227).

فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد بین شغل همسر و شیوع خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نوع مسکن و شیوع خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان درآمد خانوار و شیوع خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین مردسالار بودن جامعه آماری و شیوع خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین یادگیری‌های اجتماعی و شیوع خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تجارب زیسته فرد و شیوع خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

جهت جمع‌آوری داده‌ها از روش ترکیبی (کمی-کیفی) استفاده شده است؛ ابتدا در جهت شیوع یا عدم شیوع خشونت و همچنین دنبال کردن متغیرهای اساسی مؤثر بر شدت شیوع خشونت با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، 20 نفر از زنان ساکن در شهرستان کرمانشاه را انتخاب، سپس از طریق فن مصاحبه عمیق و بدون ساختار، از نمونه‌های آماری مصاحبه بعمل آمد و در قالب روش تماتیک و شاخص اشباع نظری کدگذاری داده‌ها در سه مرحله اولیه، ثانویه و هسته‌ای انجام گرفت. با مشخص شدن کدهای اصلی متغیرهای اصلی پژوهش مشخص شدند. در ادامه فرایند پژوهش‌های با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و ابزار پرسش‌نامه دارای شاخص اعتبار به گردآوری اطلاعات از نمونه‌های آماری پرداخته شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. الگوهای متعددی برای انجام پژوهش با روش نظریه برخاسته از داده‌ها ارائه شده است، از جمله: گلیزر و اشتراوس¹ (1967)، الگوی پندیت² (1996) و...، اما همه این الگوها علی‌رغم تفاوت‌های ظریف با یکدیگر در جنبه‌های اساسی اشتراک دارند که این جنبه‌ها عبارتند از گردآوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها، حساسیت نظری در گردآوری تحلیل داده‌ها، استفاده از یک فرآیند کدگذاری منظم و در کل فرآیند گردآوری و تحلیل داده‌ها و ترسیم روابط منطقی و سازگار بین عناصر استخراج شده (نوری و مهر محمدی، 1391). در این پژوهش با استفاده از ویژگی‌های مشترک این الگوها، الگویی انتخاب شده که به ترتیب پژوهش‌گر با انتخاب مسئله و تدوین یک یا چند سؤال باز، گستره پژوهش خود را آغاز و با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری و با حساسیت نظری از طریق یک یا چند روش گردآوری اطلاعات به تحلیل و گردآوری داده‌ها مبادرت کرده است. در فرآیند تحلیل داده‌ها با کدگذاری نکات کلیدی و استنتاج مفاهیم، با عنایت به تطبیق پیوسته، مقوله‌ها را استخراج و سرانجام با ارتباط بین عناصر استخراج شده پرداخته است. با توجه به محورها و مسئله پژوهش و روش تجزیه و تحلیل روش تماتیک و نظریه زمینه‌ای است که به‌طور خلاصه به توضیح و مراحل انجام کار اشاره می‌شود:

1- Glaser & Strauss

2- pundit



امرسون و همکارانش (1995) بیان می‌کنند که در همه شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی، تحلیل موضوعی یا تماتیک از اهمیت خاصی برخوردار است. تحلیل موضوعی¹ یا تماتیک ضمن این‌که خود یک روش مستقل تحلیلی است می‌تواند در روش‌های تحلیلی دیگر نیز به کار رود. داده‌های مورد تحلیل در روش تماتیک شامل متنی مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای متنی است. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی است، زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آید باید حمایت تمی یا موضوعی از آن صورت گیرد به عبارتی تم‌ها از داده‌ها سرچشمه می‌گیرند (محمدپور، 1390). الگوهای متعددی برای تحلیل تماتیک وجود دارد که شباهت‌های بسیار زیادی با هم دارند. الگوی ارائه شده توسط استربرگ یکی از کامل‌ترین الگوها است که در زیر به اختصار بیان می‌شود (الگوی استربرگ الگوی استفاده شده برای تحلیل تماتیک داده‌ها در این پژوهش است): استربرگ² در طرح خود به پنج مرحله به صورت زیر اشاره می‌کند: 1. مدیریت داده‌ها³: تنظیم و ساماندهی داده‌ها، 2. درگیری با داده‌ها⁴: در این مرحله مقدمات تحلیل داده‌ها با انجام یکسری کدگذاری‌ها فراهم می‌شود، مستلزم توجه به مواردی متعدد شامل، کدگذاری باز، توسعه تم‌ها، کدبندی متمرکز است. 3. ترسیم داده‌ها⁵: در این مرحله مقوله‌ها، تم‌ها و الگوهای یافته شده در قالب نقشه‌های داده‌ای⁶ و دیاگرام‌های مفهومی⁷ به تصویر کشیده می‌شود، 4. توسعه تحلیل⁸: آغاز و توسعه تحلیل‌های مبتنی بر مقوله‌ها و تم‌ها، 5. سنخ‌شناسی⁹: این مرحله آخرین گام تحلیل است. پژوهش‌گر الگوها را دسته‌بندی کرده و برحسب تفاوت‌ها و شباهت‌ها آن‌ها را سنخ‌بندی می‌کند، 6. در نتیجه این تحلیل‌ها تحلیل تماتیک باید به مرحله اشباع تماتیک¹⁰ (همگرایی مفهومی) برسد، پژوهش‌گر باید بررسی کند که آیا تم‌ها، الگوها و سنخ‌شناسی تا حد امکان از نظر مفهومی اشباع شده‌اند یا خلاء مفهومی وجود دارد (محمدپور، 1390). در این روش پژوهش‌گر به دنبال آزمون فرضیه یا تئوری از پیش معلومی نیست و بدون هیچ نظریه

1- thematic analysis

2- Sternberg

3- managing data

4- engagement

5- data display

6- data map

7- conceptual framework

8- development analysis

9- typology

10- thematic saturation

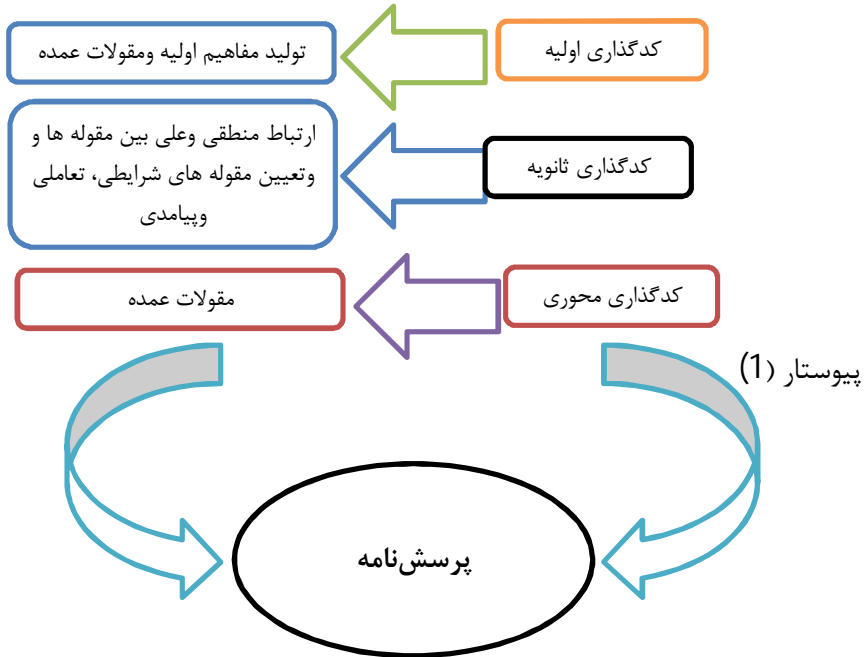
مفروضی به جمع‌آوری اطلاعات اقدام می‌کند در نتیجه با جمع‌آوری اطلاعات نسبت به تحلیل و بسط آن‌ها و درک رابطه مابین آن‌ها جهت بهره‌گیری از این نتایج در مراحل بعدی جمع‌آوری و تحلیل، اقدام خواهد کرد.

فرایند اصلی در فن نظریه زمینه‌ای¹ به عنوان روش تحلیل اطلاعات، فرایند کدگذاری و طبقه‌بندی از داده‌های خام و استخراج مفاهیم و مقولات اصلی و روابط بین آن‌ها در چارچوب یک نظریه محقق ساخته است که با توجه به شرایط و موقعیت پژوهش نسبت به ارائه آن اقدام خواهد کرد. این فرایند مبنای اصلی تمایز این شیوه از سایر روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات در پژوهش کیفی² است. بر این اساس جهت تحلیل اطلاعات در این شیوه یعنی نظریه زمینه‌ای از سه شیوه کدگذاری استفاده می‌شود 1. کدگذاری باز³، 2. کدگذاری محوری⁴، 3. کدگذاری انتخابی⁵ (کوهن و دیگران، 2007). کدگذاری، روند یا فرایندی است که طی آن داده‌های خام تفکیک، مفهوم‌بندی و ترکیب می‌شوند، به گونه‌ای که حاصل این فرایند بتواند نظریه زمینه‌ای نهایی را ارائه کند. در فرایند کدگذاری واحد تحلیل مفهوم است. کدگذاری باز: به تولید مفاهیم اولیه منجر می‌شود. در این مرحله می‌توان از واحد تحلیل به صورت سطر به سطر، پاراگراف به پاراگراف و یا صفحه به صفحه استفاده شود. در این مرحله به هر یک از جملات در سطر، پاراگراف یا صفحه یک کد اختصاص داده می‌شود. کدگذاری محوری: در مرحله دوم یعنی کدگذاری محوری، یکی از طبقات به عنوان طبقه محوری انتخاب و تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند مورد بررسی قرار گرفته و ارتباط سایر طبقات با آن مشخص می‌شود. کدگذاری انتخابی: در این مرحله به مؤلفه اصلی تحقق که خیلی از مؤلفه‌های خردتر حول آن می‌چرخیدن می‌رسیم.

1- grounded theory
2- qualitative research
3- open coding
4- axial coding
5- selective coding



فرایند کلی جمع‌آوری داده‌ها



یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی نمونه‌ها

سن			
40-49	30-39	20-29	گروه سنی
53	63	84	fi - فراوانی
درآمد خانوار			
بیش‌تر از 2 میلیون	1 الی 2 میلیون	زیر 1 میلیون	
74	94	32	fi - فراوانی
سطح تحصیلات			
مدارک دانشگاهی	دیپلم	زیر دیپلم	
70	76	54	fi - فراوانی
نوع مسکن			
شخصی		استیجاری	
62		138	fi - فراوانی

مصاحبه‌ای که از نمونه‌های آماری به عمل آمد، مواردی که زنان مورد مطالعه از انواع خشونت‌ها تجربه کرده بودند به شرح ذیل در زیرشاخه مقولات هسته‌ای قرار گرفت. پس از تبدیل کدهای اولیه به ثانویه و سپس در قالب مقوله‌ها یا مفاهیم اصلی مطرح شده است، سپس مقوله‌های مشابه در زیرشاخه مقوله اصلی قرار داده شد. کدگذاری باز در دو مرحله انجام شد که در مرحله اول 28 کد شناسایی و استخراج شد و در مرحله دوم، کدگذاری ثانویه انجام شد و کدگذاری اولیه به 3 کد یا مفهوم ویژه و خاص تقلیل یافتند که این کدهای استخراج شده در مرحله کدگذاری ثانویه شامل: خشونت فیزیکی، خشونت روحی و روانی، خشونت مالی یا اقتصادی هستند. مقولات و مفاهیم اولیه، ثانویه و هسته‌ای به تفکیک در جدول شماره یک نشان داده شده است.

جدول شماره 1: مفاهیم و مقولات اصلی

مقوله اصلی و محوری	کدگذاری اولیه	کدگذاری اولیه	کدگذاری اولیه
خشونت علیه زنان	پرتاب کردن اشیاء به طرف شما.	تخریب وسایل منزل. دادو فریاد.	امتناع همسر از پول دادن به زن.
	سیلی زدن. لگد و مشت زدن. کشیدن موی سر.	توهین و ناسزا. تهدید کردن به آسیب. فحش دادن و توهین به نزدیکان زن.	تصاحب پس انداز زن. مجبور کردن زن به فروش طلا و وسایل قیمتی.
	کتک زدن با هر وسیله ای کبود کردن جایی از بدن. زخمی کردن بدن.	برهم زدن سفره و میز غذا. بهانه گیری‌های پی در پی. ضایع کردن شما جلوی جمع. حرف‌های گزنده و طعنه آمیز. داد و فریاد بر سر بچه ها.	منت گذاشتن به دلیل نان آور بودن مرد.
	کدگذاری ثانویه	کدگذاری ثانویه	کدگذاری ثانویه
	خشونت فیزیکی	خشونت روحی و روانی	خشونت مالی (اقتصادی)

جدول شماره 2: تجربه انواع خشونت‌ها در بین نمونه‌های مورد مطالعه

انواع خشونت	فراوانی بر حسب مورد	نسبت از 100%	گروه سنی	فراوانی
تجربه خشونت فیزیکی	6	27/27	20-25	6
			25-29	5
تجربه خشونت روحی و روانی	8	36/36	30-35	4
			35-40	3
تجربه خشونت مالی	3	22/72	40-45	4
			جمع	22
عدم تجربه خشونت	5	100%		



با توجه به نتیجه حاصل از مطالعه زنان مورد مطالعه بررسی‌ها نشان می‌دهد که 27/27 درصد از زنان در دوران زندگی زناشویی خشونت فیزیکی را تجربه کرده‌اند. هم‌چنین 36/36 درصد از زنان موزد مطالعه خشونت روحی و روانی را تجربه کردند. 13/63 درصد از زنان تجربه خشونت مالی را داشتند و 22/72 درصد از زنان هیچ‌گونه تجربه خشونت در زندگی زناشویی نداشتند. با توجه به نتایج حاصل بیش‌ترین نوع تجربه زنان از خشونت مربوط به خشونت روحی و روانی و کم‌ترین نوع مربوط به خشونت مالی بوده است.

خشونت فیزیکی

وقتی صحبت از خشونت فیزیکی می‌شود منظور همان برخوردهای بدنی به‌طور کلی است. از آن‌جایی که پژوهش حاضر به دنبال بررسی خشونت علیه زنان است یکی از انواع خشونت‌هایی که زنان تجربه می‌کنند خشونت فیزیکی است. وقتی از نمونه‌ها یا مشارکت‌کنندگان در پژوهش سؤال می‌شد که تا به‌حال پیش آمده است که شوهرتان بخواهد با شما برخورد بدنی و فیزیکی داشته باشد یا این‌که شما را کتک بزند؟ این‌گونه پاسخ دادند که نمونه‌هایی از گفته‌های آن‌ها ذکر کردیم.

خانم 28 ساله‌ای ذکر کردند که بله پیش آمده است شوهرم انسان بهانه‌گیری است که بعضی وقت‌ها عصبی می‌شود و من و بچه‌هایم را کتک می‌زند.

خانم 33 ساله‌ای اظهار داشتند که بله ما دیگر عادت کردیم به بدرفتاری شوهرم و بارها پیش آمده است که حتی بدنم را کبود کرده است، اما من نخواسته‌ام خانواده‌ام بفهمند.

خانم 41 ساله اظهار داشتند که بله بارها پیش آمده است که شوهرم عصبی شود حتی سر کارهای بی‌مورد. یکبار یک لیوان به سویم پرت کرد و دوتا از دندان‌هایم شکست.

خشونت روانی

وقتی صحبت از خشونت روحی و روانی می‌شود، منظور همان برخوردهای تند همراه با داد و فریاد است که طرف مقابل کنترلی بر اعصاب خود ندارد و گاهی هم همراه با

توهین و فحاشی به طرف مقابل است. از آن جایی که پژوهش حاضر به دنبال بررسی خشونت علیه زنان است یکی از انواع خشونت‌هایی که زنان تجربه کرده‌اند، خشونت روانی است. وقتی از نمونه‌ها یا مشارکت‌کنندگان در پژوهش سؤال می‌شد که تا به حال پیش آمده است که شوهرتان بخواهد به شما فحاشی کند یا داد و فریاد یزند یا این‌که به لحاظ روحی شما را آزار دهد؟ این‌گونه پاسخ دادند که نمونه‌هایی از گفته‌های آن‌ها ذکر کردیم.

خانم 21 ساله اظهار داشتند از همون روزهای اول زندگی به دلیل عدم تفاهم با شوهرم چون من تحصیل کرده بودم و ایشان سواد آن‌چنانی نداشتند روی خیلی مسائل به من گیر می‌دادند و بارها منو جلوی همسایه‌ها، اقوام و حتی خانواده‌ام تحقیر کردند.

خانم 29 ساله اظهار داشتند که بعضی مواقع پیش آمده برایم که حتی مهمون داشتیم که سفره را به هم ریخته یا روی سر بچام داد و فریاد کشیده که اون لحظه آدم دوست دارد بمیرد و این‌ها را نبیند.

خانم 44 ساله اظهار داشتند از زمانی که ازدواج کرده‌ام به دلیل مشکلات مالیمان زیاد زندگی خوشی نداشتم. شوهرم از همان ابتدا کارگری می‌کرد و خانه هم نداشتم و هنوز هم کرایه نشینیم و بچه‌هایم هم دونفرشان مجرد هستند و شوهرم هم عصبی. کو دل خوش..

خشونت مالی (اقتصادی)

وقتی صحبت از خشونت مالی به میان می‌آید منظور به نوعی تحریم مالی است البته درون خانواده. از آن جایی که پژوهش حاضر به دنبال بررسی خشونت علیه زنان است یکی از انواع خشونت‌های که زنان تجربه کرده‌اند خشونت مالی است. از مشارکت‌کنندگان سؤال شد که آیا تا به حال پیش آمده که شوهرتان پول ماهیانه به شما ندهد یا شما را مجبور کند وسایل قیمتی خود را بفروشید.

خانم 32 ساله اظهار داشتند یکبار خواستم برای بچهم لباس بخرم ولی متأسفانه پول آن‌چنانی نداشتم و شوهرم مرا وادار کرد یکی از طلاهایم را بفروشم.



خانم 25 ساله اظهار داشتند که بعضی وقت‌ها پیش آمده است که ماه‌ها پول تو جیبی نداشتم چون شوهرم به این چیزها اعتقاد ندارد البته ناگفته نماند از بچگی تا اون جایی که یادمه مادرم هم همین‌طور بود.

خانم 42 ساله اظهار داشتند اخلاق شوهرم به درد نمی‌خورد چون هر وقت یه کبریت هم خانه بیاورد باید منتش رو بزاره سر ما، منم می‌گم می‌خواستی زن نگیری.

آمار استنباطی

جدول شماره 3: فرضیه شماره 1 «بین شغل همسر و شیوع خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد»

آزمون برابری واریانس‌ها			آزمون برابری میانگین‌ها						
فرض برابری	مقدار F	سطح معناداری	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	تفاوت خطای استاندارد	فاصله اطمینان 95%	حداکثر حداقل
واریانس	2/712	0/104	0/345	-0/345	0/731	-0/8696	0/25210	-0/58905	0/41514

با توجه به سنجش داده‌ها از آزمون t دو گروه که معادل آزمون u من ویتنی است برای بررسی رابطه‌ی دو متغیر استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن است که سطح معنی‌داری این فرضیه 0/104 است، پس رابطه‌ی میان این دو متغیر تصادفی و معنادار نیست.

جدول شماره 4: فرضیه شماره 2 «بین نوع مسکن و شیوع خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد»

آزمون برابری واریانس‌ها			آزمون برابری میانگین‌ها						
فرض برابری	مقدار F	سطح معناداری	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	تفاوت خطای استاندارد	فاصله اطمینان 95%	حداکثر حداقل
واریانس	1/809	0/182	-0/547	95	0/586	-0/13419	0/24533	-/62124	0/35286

با توجه به سنجش داده‌ها از آزمون t دو گروه که معادل آزمون u من ویتنی است برای بررسی رابطه‌ی دو متغیر استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن است که سطح معنی‌داری این فرضیه 0/182 است، رابطه‌ی معناداری مشاهده نشده است. میانگین نمره‌ی افراد مستأجر و افراد صاحب خانه -0/13419 است که بیان‌گر تفاوت در بین این دو گروه است.

جدول شماره 5: فرضیه شماره 3 «بین میزان در آمد خانوار و شیوع خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد»

خشونت (y)		درآمد (x)
-785%	ضریب همبستگی (r)	
023%	سطح معناداری (p)	
200	تعداد (n)	

با توجه به سطح سنجش داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه دو متغیر استفاده شد. با توجه به نتایج به دست آمده ضریب پیرسون این فرضیه برابر با 0/785- است رابطه معکوس وجود دارد. و سطح معناداری آن 0/023 است که بیانگر رابطه بین این دو متغیر است در نتیجه فرضیه ذکر شده تأیید می‌شود و بین دو متغیر رابطه معنادار و واقعی وجود دارد و فرضیه تأیید می‌شود.

جدول شماره 6: فرضیه شماره 4 «بین مرد سالار بودن جامعه آماری و شیوع خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد»

خشونت (y)		مرد سالاری (x)
360%	ضریب همبستگی (r)	
000%	سطح معناداری (p)	
200	تعداد (n)	

با توجه به سطح سنجش داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه دو متغیر استفاده شد. با توجه به نتایج به دست آمده ضریب پیرسون این فرضیه برابر با 0/360 است رابطه در حد متوسط و مستقیم و سطح معناداری آن 0/000 است که بیانگر رابطه بین این دو متغیر است در نتیجه بین دو متغیر رابطه معنی داری قوی و واقعی وجود دارد و فرضیه تأیید می‌شود.

جدول شماره 7: فرضیه شماره 5 «بین یادگیری‌های درون اجتماع و شیوع خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد»

خشونت (y)		یادگیری اجتماعی (x)
771%	ضریب همبستگی (r)	
029%	سطح معناداری (p)	
200	تعداد (n)	



با توجه به سطح سنجش داده‌ها از ضریب هم‌بستگی پیرسون برای بررسی رابطه دو متغیر استفاده شد. با توجه به نتایج به‌دست آمده ضریب پیرسون این فرضیه برابر با 0/771 است، هم‌بستگی بین دو متغیر در حد قوی و مستقیم و سطح معناداری آن 0/029 است که بیانگر رابطه بین این دو متغیر است در نتیجه بین دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد و فرضیه تأیید می‌شود و رابطه واقعی و تصادفی نیست.

جدول شماره 8: فرضیه شماره 6 «بین تجارب زیستی زن و مرد و شیوع خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد»

خشونت (y)		
-0/154	ضریب هم‌بستگی (r)	تجارب زیستی
0/126	سطح معناداری (p)	(x)
200	تعداد (n)	

با توجه به سطح سنجش داده‌ها از ضریب هم‌بستگی پیرسون برای بررسی رابطه دو متغیر استفاده شد. با توجه به نتایج به‌دست آمده ضریب پیرسون این فرضیه برابر با 0/154- است رابطه بین دو متغیر ضعیف و معکوس است و سطح معناداری آن 0/126 است که بیانگر رابطه بین این دو متغیر است؛ در نتیجه بین دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود ندارد و فرضیه رد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

خشونت علیه زنان یکی از مسائلی است که در تمام جوامع هرچند با شدت و ضعف متفاوت به چشم می‌خورد. شاید بتوان گفت هیچ جامعه‌ای یافت نشود که گفته شود خشونتی به‌خصوص درون خانواده را تجربه نکرده باشد. پژوهش حاضر به‌دنبال بررسی میزان شیوع خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر بر این شیوع در شهرستان کرمانشاه بوده است. پس از بررسی‌های صورت گرفته و صحبت‌هایی که با مشارکت‌کنندگان یا نمونه‌های آماری به‌عمل آمد؛ نتایج گفته‌ها حاکی از آن بود که خشونت علیه زنان در شهرستان پدیده‌ای است که تقریباً در بین خانواده‌ها و برعلیه زنان به چشم می‌خورد. خشونت روحی و روانی بیش‌ترین فراوانی‌ها از خشونت علیه زنان به خودش اختصاص داده است. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شیوع خشونت در این شهرستان وضعیت مالی و اقتصادی و سطح درآمد خانوار، یادگیری‌های اجتماعی و مردسالار بودن جامعه آماری

بوده است. به طور کلی می‌توان گفت بروز کردن مشکلات و صحبت از پدیده‌ای به اسم طلاق که امروزه در استان کرمانشاه و به خصوص شهرستان کرمانشاه مشهود و عیان است حاکی از همین مشکلات و به دنبال آن خشونت‌هایی است که درون خانواده‌ها بر علیه زنان صورت می‌گیرد و در نهایت کار به جایی می‌کشد که هیچ‌گونه نقطه مشترکی در کانون خانواده باقی نمی‌ماند و زندگی زناشویی هم‌چون حسابی بر روی آب هر آن امکان متلاشی شدن آن است. در برخی موارد هم مشاهده شد که هرچند زنان خانواده از زندگی رضایت آن‌چنان نداشتند اما عامل نگه داشتن کانون خانواده و سازگاری با زندگی، ترس از صحبت اطرافیان و اجتماع بود؛ لازم به ذکر است این امر بیش‌تر در بین زنانی مشاهده شد که در سنین بالاتر بودند و به قول معروف چهار پیراهن بیش‌تر پاره کرده بودند. هم‌چنین برخی از نمونه‌های آماری عامل مالی و اقتصادی را در تنش و خشونت و داد و فریادهای درون خانواده مؤثر می‌دانستند. برخی‌ها این‌گونه اظهار کردند که به دلیل سنتی بودن جامعه و شاید عدم آگاهی‌ها نسبت به روابط زناشویی هم‌چنان نوعی تبعیض جنسی در میان مردان و زنان دیده می‌شود و حرف اول را درون خانواده‌ها مرد خانواده می‌زند و زن نقش کم‌رنگی در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده دارد و اقتدار مردها هنوز هم به وفور دیده می‌شود. شاید همان‌طوری که نظریه‌پردازان این حوزه هم اشاره کرده‌اند به خصوص فمینیست‌ها و نظریه‌پردازان سلطه، زن به‌عنوان یک ابزار هنوز در هم‌چنین مناطقی به آن‌ها نگاه می‌شود و قدرت اصلی و اقتدار هنوز هم در دست مردها است و زن‌ها دنیای دوپاره‌ای را تجربه می‌کنند. همان‌طور که در نظریات هم ذکر شده است از آن‌جایی که کودکان در ابتدا هویت مستقلی برای خود قائل نیستند و در جریان اجتماعی شدن و درون خانواده و اجتماع و کنش‌های متقابل و رودرو به مفهومی از خود دست پیدا می‌کنند ریشه‌ی بسیاری از مسائل به دنیای کودکی‌ها و یادگیری‌های اجتماعی برمی‌گردد. بسیاری از مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که در دوران مجردی این رفتارهای خشونت‌آمیز علیه خود شخص و حتی مادرانشان هم تجربه کرده‌اند و تبدیل به امری شرطی یا نوعی عادت در زندگی آن‌ها شده است. بر طبق نظریه یادگیری اجتماعی فراگیری خشونت از طریق مشاهده خشونت درون خانواده انجام می‌شود.



همان طور که از مجموعه داده‌های نمونه‌های آماری نتیجه‌گیری شد بسیاری از رفتارهای خشونت‌آمیز حاصل یادگیری‌ها، وضعیت بد اقتصادی، مردسالاری در جامعه بوده است.

راهکارهای پیشنهادی

توجه به خشونت علیه زنان در برنامه‌های توسعه ملی، مراجعه به موقع زنان به ارگان‌های حمایت از حقوق زنان در جهت احقاق حق و برقراری عدالت، برنامه‌های آموزشی مناسب به خانواده‌ها در جهت کاهش خشونت علیه زنان و مستدام بودن کانون خانواده در جهت الگو بودن پایدار برای پرورش نسل‌های آتی جامعه، و در نهایت همان طور که در روایات مذهبی هم اشاره شده است امر به معروف و نهی از منکر شامل سه الی چهار مرحله است که در ابتدا بی‌توجهی به فرد خاطی است و در نهایت در نقطه پایانی راه حلی جزء مجازات باقی نمی‌ماند که این جا می‌بایست به قانون و مجازات قانونی مردانی که بر علیه زنان با خشونت رفتار می‌کنند، متوسل شد.

منابع

- احمدی، حبیب؛ زنگنه، محمد (1383). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده (مطالعه موردی شهر بوشهر)، تهران، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، جلد سوم.
- ارجمند سیاهپوش، احمد؛ عجم دشتی‌نژاد، فریال (1389). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر اهواز. مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، پیش شماره سوم.
- اعزازی، شهلا (1380). خشونت خانوادگی، زنان کتک خورده. تهران: نشر سالی.
- امیرمظاهری، امیرمسعود؛ قدریند فرد شیرازی، زینب (1393). بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان و علت تحمل خشونت توسط آنان (مطالعه موردی: شهر نورآباد ممسنی). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، سال چهارم، شماره 15: زمستان 1380.
- آقاخانی، نادر؛ افتخاری، علی؛ زارعی خیرآباد، عباس؛ موسوی، احسان؛ دلیرراد، محمد؛ پزند، مریم؛ اقتدار، سامره؛ رهبر، نرگس (1391). بررسی انواع خشونت شوهران علیه زنان و تأثیر عوامل مختلف در میزان بروز آن‌ها در زنان مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی شهرستان ارومیه. مجله علمی پزشکی قانونی، دوره 18، شماره 3-2: تابستان و پاییز 1391.
- ریترز، جورج (1374). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی تهران: انتشارات علمی.
- رئیسی سرتشنیزی، امراله (1391). خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهرستان شهرکرد). فصلنامه پژوهش زنان، شماره 3: بهار 1381.
- عزیزیان، رویا؛ ساروخانی، باقر؛ محمودی، محمود (1382). بررسی عوامل خشونت علیه زنان در مراجعه‌کنندگان به پزشکی قانونی تهران. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره 2، شماره 2: پاییز 1382.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ ریاحی، محمداسماعیل؛ فرهادی، محمود (1390). تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدلی نظری و آزمونی تجربی. مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره 2: زمستان 1390.
- فلاح، سعید؛ رستم‌زاده، سوده؛ قلچلی قوجق، موسی (1394). عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان متأهل. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، دوره 17، شماره 4: زمستان 1394.
- محمدپور، احمد (1390). منطق و طرح در روش شناسی کیفی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان: 1390.



- محمدی، فایزه؛ میرزایی، رحمت (1391). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه شهرستان روانسر). مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره 6، شماره 1: بهار 1391.
- مظلوم خراسانی، محمد؛ میرزایی مهر، مجتبی (1391). میزان خشونت خانگی علیه زنان شهر خرم‌آباد. مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان، سال 10، شماره 3: پاییز 1391.
- نوری، علی؛ مهر محمدی، محمود (1383). الگویی برای به‌کارگیری نظریه برخواسته از داده‌ها در عمل. انجمن مطالعات برنامه‌ریزی: 1390.
- همتی، رضا (1383). عوامل مؤثر بر خشونت مردان علیه زنان: مطالعه موردی خانواده‌های تهرانی. رفاه اجتماعی (آسیب‌شناسی زنان ایران)، دوره 3، شماره 12: بهار 1383.
- یعقوبی، علی؛ رئوفی، لیلا (1393). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان خشونت علیه زنان (مطالعه موردی زنان متأهل شهر خلخال). مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دهم، شماره 39: 1393.
- Abeokuta; Nigeria, Australian an New eland journal of obstetrics and Cohen, L. and Morrison, K. (2007). Research Methods in Education. London: Routledge.
- During pregnancy, the case of Palestinian Refugees attending antenatal clinic in
- Eng., Sotho (2010). Domestic violence against women in Cambodia.
- Given, L .M. (2008). The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Method. London: Sage Gynecology.
- Hammer, N, Khawaja, M (2009). Domestic violence against women Husbands control Frequency of spousal Discussion and Domestic violence Journal of Social Issues, vol 56. Reported by Cambodian women, J. Fam. Vol 25. Research (pp. 351-383). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Tashakkuori, A and Toddle, C. (Ads), Mixed Methods in Social and Behavioral Tillman, R (2000). A Review of Research on welfare and Domestic violence.